

وظیفه مبرم کنونی، دفاع از اصول مترقی و روح مردمی قانون اساسی است!

اصلی که مالکیت های بزرگ را از آن دولت می - داند، برای سرمایه داری بزرگ و بزرگ زمین داری اجازه " قانونی " رشد و فعالیت " مشروع " بگیرند . نکته قابل توجه دیگر آنست که حتی این لایحه ضد مردمی و مسخ کننده قانون اساسی هنوز مورد تأیید و رضایت غارتگران و نمایندگان - نشان نیست، که با دادن رای منفی به لایحه و رد آن توسط این نیروها تظاهر کرد . آنها - همانطور که حزب ما یارها و یارها هشدار داد، تمام ایران را حتی بیشتر از آنچه در زمان رژیم شاه ملعون در اختیار داشتند، میطلبند . از جمله مخالفین این طرح آقای واعظی یکی از نمایندگان غارتگران در مجلس شورای اسلامی است که در جستجوی راهی برای تطهیر " اموال حرام " هم هست . سخنان وی در مجلس در این مورد گویاست :

" عرض من اینست که اگر طرف خود دش برود پیش حاکم شرع و طبق احکام شرع (!) با دادن اموال نامشروع خود را تطهیر کند، این صورت بسیار عالیست و در گذشته نیز مرسوم بوده است . خوب . . . چه بسا میان اموال حرامشان (تأکید ماست !) مال حلال هم باشد . . . " (اطلاعات - ۵ تیر ۶۲) .

یعنی برود " رشومای " بعنوان " وجوه شرعی " ببرد، از و هم " مالش " را حلال کند و هم نقش ولینعمتی را ایفا کند . از این طریق دست حاکم شرع هم باز خواهد شد، که بگوید " بازار همیشه پشتوانه " بوده است! آنها با استفاده از " موازین شرعی " اسلام و عاظ - السلاطین به تحکیم پایه های زشت ترین شیوه غارت بی بند و بار سرمایه داری و فساد آلی نعمت گماشته اند و در اینراه تسلیم طلبان، چه بخواهند و چه نخواهند به جاده صاف کن این اهداف پلید ضد مردمی تبدیل می شوند .

بدون تصویب قوانین اجرایی اصول ۴۳ و ۴۴، و اصلاحات ارضی و تجارت خارجی دولتی . . . تن دادن به تصویب چنین لوایحی، حتی با مخالفت های خجولانه، آنطور که در مجلس توسط بخشی از مخالفان این لایحه نیز انجام شد، پاره مسئولیت تاریخی از دوش تسلیم طلبان برنهد نمی شود . تاریخ و خلق اینرا گراز آنها که بنه انقلاب و اهداف مردمی و ضد امپریالیست آن پشت کردند، باز خواست خواهد کرد . تثبیت په " قانونیت " راستگرایان و خیمه شب بازی درون مجلس بمنظور منحرف کردن خلشق از هدف اصلی، که تثبیت مواضع راستگرایان است و نه پیاده کردن اصول قانون اساسی، توطئه تازه راستگرایان است که باید افشا شود .

اگر نیروهای ارتجاعی راستگرا بتوانند از این طریق چنین لولیح ضد مردمی را تثبیت کنند، آن وقت خلق باید تاوان های زیاد تشری را بپردازد

بزرگ مالکی است و " مالکیت " آنها را بنظر " قانونی " تثبیت می کند، هدفی را جز مسخ قانون اساسی و دفن روح مردمی آن دنبال نمی - کند .

از جمله لوایحی که این روزها در مجلس شورای اسلامی مطرح است، لایحه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی است . اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت را به بازگرفتن مالکیت های ناشی از ربا، نصب، رشوه، اختلاس، سرقت، دزدی های دولتی که بوسیله گردانندگان رژیم گذشته و میوه چینان انقلاب تصاحب شده است، موظف می کند . اجرای این اصل تنها در پناه اجرای آن اصول مردمی و مترقی از قانون اساسی می تواند مشتم واقع شود، که امکان پیدایش چنین مالکیت هایی را سلب می کند . هدف از تصویب لوایح اجرایی قوانینی نظیر اصل ۴۹ در این زمان، یعنی در شرایط تسلط راستگرایان و مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، و آنهم از نوع سرگوش و دم بریده آن (سخنان آقای لطیف صفری - روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۶۲) و بویژه بدون اجرای اصول ۴۳ و ۴۴ و دیگر اصول مردمی و مترقی قانون اساسی همانند بخش سوم قانون اساسی مربوط به " حقوق ملت "، تثبیت " مالکیت مشروع " و از این طریق تثبیت " قانونی " مالکیت بدون سرز است .

این موضوع از سوی موافقین لایحه نیز تأکید شده است . بطور مثال آقای رحیمی نماینده مجلس می گوید:

" اجرای این اصل هم شعار را از بعضی از آقایان در مجامع و محافل میگرد و هم خاصیت دیگرش اینست که مالکیت افراد تثبیت میشود " (تأکید از ماست - روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۶۲) .

شبهه همین نقطه نظر را آقای عبدخدايي، دیگر نماینده مجلس و مدافع این لایحه ارائه می کند . وی می گوید :

" . . . ولی بهر حال این اصل باید پیاده شود که دارای دو خاصیت است، یکی اینکه هر کس از راه نامشروع کار می کند تنبیه شود و دیگر اینکه دارندگان اموال مشروع تأمین داشته باشند " (همان منبع) .

بی جهت نیست که مدافعان و نمایندگان کلان - سرمایه داری و بزرگ مالکان تنها مرز " مشروع " را برای سرمایه و ملک، برداخت خمس و ذکات قلمداد می کنند . همان خمس و ذکاتی که از زمان رئیس مجلس، آن زمانی که از عدالت اجتماعی در نمازهای جمعه سخن می گفت، بسه نذرت از سوی سرمایه داران برداخت میشد . راستگرایان و نمایندگان نشان می گویند با تصویب لایحه قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی با جایگزینی " خمس و ذکات " بجای اصل ۴۴،

تلاش راستگرایان برای تثبیت کامل مواضع خود در حاکمیت ابعاد تازه ای یافته است . راستگرایان که در مراحل گوناگون، چه هنگام بحث در جریان تدوین قانون اساسی در مجلس خبرگان و چه مواقعی که نوید اجرای اصول مردمی آن می یافت، مخالفت خود را با روح مردمی و اصول مترقی آن، آشکار و نهان، نشان داده اند، اکنون پس از تحکیم مواضع خود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و بمنظور تثبیت " قانونی " مواضع ارتجاعی و ضد انقلابی خود، با تاکتیک مثله کردن نهائی قانون اساسی به میدان آمده اند . راستگرایان و مدافعان آنها لوایح اجرایی آن اصولی از قانون اساسی را اکنون برای تصویب به مجلس می آورند، که تنها در کنار اصول مردمی و مترقی قانون اساسی می توانند نقش معیسن و مثبتی را ایفا کنند .

اصول مترقی قانون اساسی، که روح مردمی آن را تشکیل میدهند، یعنی آن اصولی، که تغییرات بنیادی بنفج زحمتکشان را در زندگی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور ایجاد می کنند، پایه و اساس تحولات لازم در جامعه عقب نگه داشته و امپریالیسم و شاه زده میهن با نیز هستند . بدون تثبیت و تدوین قوانین اجرایی این اصول و حفظ روح مردمی قانون اساسی، یعنی تدوین قوانین اجرایی اصول مربوط به تحولات بنیادین جامعه، تصویب قوانین اجرایی اصول فرعی و غیر عمده دیگر قانون اساسی، قدم گذاشتن در راه مسخ قانون اساسی است .

اصول مردمی قانون اساسی، که می توانند تأمین کننده استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در این دوران رشد جامعه ما باشند، بطور عمده در اصول ۴۳ و ۴۴ و اصول بخش سوم مربوط به حقوق ملت متمرکز شده اند .

در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، و لا شرایط اولیه تأمین استقلال اقتصادی جامعه و مبارزه با فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای اولیه زحمتکشان تضمین شده، تا نیا وظایف دولت در تأمین شرایط لازم برای ایجاد چنین تحولاتی بطور روشن تأکید شده، و ثالثاً نقشه نظام اقتصادی که بر پایه آن تغییرات یاد شده امکان پذیر می باشند، ارائه شده است .

سرتاسر فصل سوم قانون اساسی مملو از صراحتی است که آزادی های دموکراتیک را برای همه اقشار جامعه، اقوام و ملیت ها و صاحبان ادیان مختلف تضمین می کند . آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی، و برخورداری از تأمین اجتماعی برای همه شهروندان جمهوری اسلامی ایران - بدون هیچگونه تبعیضی تصریح شده است .

همانطور که در بالا ذکر شد، کوشش راستگرایان برای تثبیت اصولی از قانون اساسی، که توجیه کننده سودبری و سودورزی کلان سرمایه داری و

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۳

دانشجویان انقلابی سری:

دانشجویان انقلابی صبری در اروپا - بخش آلمان فدرال، در رابطه با دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران، نامه‌ای خطاب به مسئولین جمهوری اسلامی تقدیم نمودند که در آن از جمله شیوه‌های شکنجه‌های اعمال شده در مورد این مبارزین در بند راجحکوم ساخته، "اعتراقات" را مردود دانسته و آنرا با متد های بکار گرفته شده از طرف فاشیستها، بمنظور "بی اعتبار ساختن" قهرمانان نهضت مقاومت ضد فاشیستی و "در هم شکستن" جهان بینی آنان، مقایسه نموده است.

نامه سپس در جایی، اشاره به این مطلب دارد که رژیمهای آزادی کش و دیکتاتور و سلاحی جز دروغ و ترس، برای پوشاندن حقیقت وقایع از انظار مردم ندارند، وطنی این خرمه‌های رنگزده قادر نیست، حقایق را پنهان نگاهدارد.

دستگیری و شکنجه وحشیانه مبارزین توده‌ای در زندانها، در نامه قویا محکوم شده و تأکید شده است که این اعمال، جز ننگ ابدی برای مجریان آن، بپار نخواهد آورد.

و در پایان، قطع فوری شکنجه و آزادی کلیه زندانیان توده‌ای خواستار گردیده است.

اتریش

● روزنامه فولکس شتیمه، ارگان حزب کمونیست اتریش، در تاریخ بیست و چهارم ژوئن (سوم تیرماه)، طی مقاله مفصلی که یک صفحه روزنامه را در بر می‌گرفت، ضمن بررسی فیلم "اقراریر" تلویزیونی و آثار شکنجه‌های که در رفقای رهبری حزب توده ایران، دیده می‌شود، حمله به حزب توده ایران را در رابطه

با تحولات سیاست ایران و جهان، تخطل کرده است.

● روز چهارشنبه پانزدهم ژوئن (بیست و پنجم خرداد ماه) طی مراسمی که به همت هواداران حزب توده ایران در شهر زالسبورگ برگزار گردید، پس از نمایش فیلم و ارائه تحلیلی از وقایع اخیر ایران، یکی از رفقای مسئول حزب کمونیست اتریش، از شرکت کنندگان درخواست کرد، یحناوین مختلف، همبستگی خود را با رفقای حزب توده ایران که در زندانهای جمهوری اسلامی، در چنگ درخیمان و شکنجه گران گرفتار آمده‌اند، ابراز نمایند.

در خاتمه مراسم، قطعنامه‌ای اعتراضی که در آن آزادی فوری زندانیان توده‌ای خواستار گردیده بوده، تهیه و با مضای شرکت کنندگان در این مراسم رسید.

اتحادیه‌های‌های کارگری در اسپانیا ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران خواستار آزادی فوری آنان شدند

"کنفدراسیون سندیکائی کمیسیون کار" اسپانیا، ضمن مخایره تلگرامی برای نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، شکنجه‌های وحشیانه رفیق حسن حسین پور تبریزی را که منجر به مرگ وی گردیده است، شدیداً محکوم نموده و ضمن ابراز نگرانی در مورد سرنویشت دیگر رهبران سندیکائی ایران، آزادی بلاد رنگ آنان و برقراری حقوق سندیکائی را در ایران خواستار گردیده است.

کنفدراسیون مذکور، همچنین از هیأت نمایندگی

خود در کنفرانس کار ژنو نیز خواسته است، در این مورد پیگیری لازم را بنماید.

● نمایندگان کنگره اسپانیا، ضمن ابراز نگرانی از سرنویشت رهبران و اعضای در بند حزب توده ایران، نظر دولت آن کشور را در امر این مورد و وقایع اخیر ایران، و "انحلال" حزب، خواستار گردیده بودند.

دولت اسپانیا، در پاسخی که از طریق رئیس مجلس، کتبا به نمایندگان داده است، اظهار نموده که وزارت خارجه این کشور، از طریق سفیر اسپانیا در جمهوری اسلامی ایران، نگرانی دولت متبوع خود را در مورد مسائل جاری ایران و از جمله اعمال تضيیقات و فشار در مورد اعضای حزب توده ایران، بیان نموده است.

دولت این کشور، همچنین نگرانی خود را در موارد فوق، به سفیر جمهوری اسلامی ایران در مادرید، ابلاغ نموده است.

همچنین نمایندگان حزب کمونیست اسپانیا در پارلمان این کشور، از دولت خواسته‌اند که برای نجات جان زندانیان توده‌ای، رأساً اقدام کند.

رادیوی اسپانیا خبر فوق را پخش کرده است.

● گروهی از پزشکان مترقی اسپانیائی، ضمن ابراز نگرانی شدید، از اعمال شکنجه‌های در زندانها، در مورد رهبران حزب توده ایران، آمادگی خود را جهت عزیمت به ایران و بازدید از این مبارزین در سیاه‌چالهای جمهوری اسلامی، اعلام نموده‌اند.

● "انجمن وکلای جوان" اسپانیا، ضمن ارسال نامه‌های اعتراضی به مسئولین جمهوری اسلامی در مورد رفتار وحشیانه با زندانیان توده‌ای، آمادگی خویش را جهت اعزام حقوق دانان بایران، بمنظور دیدار از این مبارزین و بررسی وضع آنان، اعلام نموده است.

● خبر قتل رفیق حسن حسین پور تبریزی در زیر شکنجه، در مطبوعات اسپانیا، با زتاب وسیعی داشته و در این رابطه، دستگیری و شکنجه سایر رفقای توده‌ای و زمینه‌های انجام چنین جنایاتی، مورد بررسی قرار گرفته است.

اعتراض سازمان سندیکائی هندوستان وابسته به فدراسیون سندیکائی جهانی علیه کشتار، زجر و شکنجه در ایران

خبر توقیف وسیع رهبران و اعضای حزب توده ایران برای سازمان ما موجب نگرانی است. رهبران این حزب در مبارزه علیه رژیم مغرور شاه، وسیعاً شرکت کرده و در این مبارزه شکنجه‌های طاقت فرسای ساواک را متحمل شده‌اند آنها نقش مهمی در دفاع از موجودیت و حاکمیت مملکتشان، بعد از سقوط شاه ایفا کرده‌اند.

اتهامات خیانت و توطئه علیه آنان، بکلی نادرست بوده و این حملات موجب نگرانی کلیه نیروهای مبارز ضد امپریالیستی و در مقابل موجب خرسندی نیروهای ارتجاعی، ضد متگزار

بقیه در صفحه ۱۵

برای نجات میهن پرستان ایران از مرگ بکوشیم اطلاعیه فدراسیون سندیکاهائی جهانی - پراگ

در زندانهای شاه بسر میبردند و بالاخره سرکوب حزب طبقه کارگر که تاریخ آن با مبارزات زحمتکشان ایران برای دمکراسی و بهبود زندگی، پیوند دارد، همه این اقدامات گویای راهی است که رژیم کنونی در پیش گرفته است.

زحمتکشان ایران نیاز مبرمی به همبستگی بین‌المللی دارند. فدراسیون سندیکائی جهانی به همه سازمانهای سیاسی و سندیکائی جهان که علیه این اقدامات دست با اعتراض زده و خواستار پایان بخشیدن به قتل عام در ایران هستند، درود می‌فرستد، فدراسیون سندیکائی جهانی از همه زحمتکشان و سازمانهای سندیکائی میطلبد که هر چه بیشتر کارزار تبلیغاتی را گسترش دهند باین منظور که: این زنان و مردان زندانی از مرگ رهایی یابند و حقوق بشر و حقوق سندیکائی در ایران مراعات شود.

فدراسیون سندیکائی جهانی یکی از اولین سازمانهای بین‌المللی است که سقوط رژیم دیکتاتوری و طرفدار امپریالیسم شاه سابق را نهج بخش اعلام کرد باین امید که تغییرات اساسی در زندگی زحمتکشان و خلق ایران بوجود آید.

فدراسیون سندیکائی جهانی، خواستار اتخاذ تدابیر لازم برای استقرار حقوق بشر، حقوق مدنی و سندیکائی شد.

فدراسیون سندیکائی جهانی از اقدامات بسیار محدود رژیم کنونی ایران بمنظور تشکیل سندیکاها جانبداری کرده است.

متأسفانه، رژیم کنونی ایران دست با اقداماتی زده است که گواه بر ادامه راهی است که شاه سابق دنبال میکرد. یورش اخیر علیه نیروهای دموکراتیک و سندیکاهای قتل رهبران بنام سیاسی و سندیکائی، توقیف، محکومیت و همچنین اعدام احتمالی بیش از ۱۵۰۰ شخصیتی که دلیرانه علیه رژیم سابق شاه مبارزه کرده و سالهای متعادی

وفا و عهد نگو باشد از پیام‌موزی و گرنه هر که تو بینی ستمگری داند

در امر شکنجه‌های جسمی و روانی و حقوق‌دانان از این قربانیان دیدن کنند؟ چرا از تشکیل يك دادگاه علنی و یا حضور ناظران بین‌المللی مرکب از دوستان جهانی انقلاب ایران می‌هراسیدند؟ می‌ترسید، که "اقرار" کنندگان پرده از جنایاتتان بردارند و رسوائی شما و "راه"تان را بر ملا سازند.

شما شعار دادید و مردم هم به شما دل بستند ولی وقت عمل منافع خاموشی‌ها و اربابان آنها را به "کوچ نشینان" و مردمی که "از گرسنگی در صحرا می‌چرند" ترجیح دادید. در جمهوری اسلامی می‌خواهند کارگران را به شیوه قرون وسطی به اجاره بگیرند و حتی اصلاحات فرمایشی ارضی شاه را هم کمونیستی و غیر شرعی می‌دانند. بی‌خانمانها را برای ارضاء دل مالکین جتی از "پشت بام‌ها و بیغوله‌ها" می‌رانند، غارتگران فراری و همپالکهای شاه راه، که قرار بود "اگر همه دار و ندار خود را به مردم بدهند هنوز هم بد هکار باشند"، برای غارت مجدد بازمی‌گردانند و اموالشان را پس می‌دهند. ساواکیها را نه تنها آزاد می‌کنند، که به خدمت فرا می‌خوانند و در عوض قربانیان ساواک را دوباره به سیاهچالها می‌اندازند و از آنها انتقام نبردشان را با رژیم شاه می‌گیرند.

آری، چنین اندان قدم‌های شومی که بسرای برداشتن آنها، سرکوب حزب توده، ایران و شکنجه پررمنشانه اعضا و هواداران آن ضرورت پیدا کرد و داغ تنگ ابدی را بر پیشانی مجریان این جنایت زد. ولی حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران در کنار زحمتکشان و انقلاب آنها با تمام وجود ایستاد، از منافع آنها و منافع ملی دفاع کرد. توطئه‌های ضدانقلابی دشمنان خلق را در هر لباسی افشا کرد.

امروز نیز این حزب توده، ایران است که با پیگیری خونین و تحت وحشیانه ترین پی‌گردد های دشمن از منافع زحمتکشان دفاع می‌کند و شعار آنها یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به معنای قانون کارمترقی و انقلابی برای کارگران، زمین برای دهقانان بی‌زمین و کم زمین، قطع غارت سرمایه‌داری غارتگر را سر می‌دهد.

مردم محروم و زحمتکش ما ابله نیستند. آنها سره را از ناسره تشخیص می‌دهند. حزب مسا بر اساس يك ضرورت تاریخی بوجود آمد و بقایش نیز يك ضرورت تاریخی است و با خواست امپریالیسم و اراده این یا آن از بین نمی‌رود. بقول روزیه ضمو کمیته مرکزی حزب توده، ایران و قهرمان ملی ایران:

"هرگز ابر نمی‌تواند موجودیت خورشید را نفی کند و پس از لحظاتی پرتو مستقیم خورشید به همه گرمی خواهد بخشید" ●●

برداشت، لااقل این امکان را داشت که در مقابل افکار عمومی انگلستان و جهان قرار داشته باشد و هرروزه توسط دوستان خود و خبرنگاران و حقوق‌دانان مورد بازدید قرار گیرد، اما دژخیمان بی‌فرهنگ و فاقد معنویت و اخلاق ایرانی حتی از اعلام نام انسانهای شریفی که در بند آنها و در سیاهچالهای ساواکی جمهوری اسلامی ایران در بندند، خودداری می‌کنند، چه رسد به دیدار خانواده‌ها و دوستان، پزشکان و حقوقدانان از آنها.

اینست آن چیز "نوشته‌ای که در دخیمان در خدمت جمهوری نوهای ما را از همتهای انگلیسی آنها متمایز می‌سازد:

— قانون شکنی خشن و بی‌محاپا،

— پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق انسانها،

— بی‌حرمتی به معنویت و انسانیت!

ما می‌پرسیم، چرا وحشت دارید يك هیئت ناظر بیطرف بین‌المللی مرکب از پزشکان تخصص

برخی از مسئولین دارای منصب‌های بالا در جمهوری اسلامی ضمن هتاک بی بند و بار به حزب توده ایران، که دور از هرگونه موازین اخلاقی بین انسانها است، از بیایی ساندز، مثال می‌آورند، که بر سر ایمانش ماند. آنها به اصطلاح خودشان بیایی ساندز را با رفقای شکنجه دیده ما مقایسه می‌کنند و می‌خواهند این دروغ را به خورد مردم دهند، که گویا "اقرار" ستانده شده، دلیل بر "بی‌ایمانی" توده‌های درین است. اما همین مقایسه هم پرده از ایستادگی واقعیت در دناک بر میدارد، که منتقدین به "تاچرها" برای رسیدن به اهداف شیطانی خود، حتی خود را به اصول و موازینی، که "تاچرها" به ظاهر در حفظ آن می‌کوشند، پایبند نمی‌دانند!

بیایی ساندز، که با اعتصاب غذا ۱۰۱ ی ۶۴ روزه خود یکبار دیگر پرده از روی چهره دژخیم سرمایه‌داری آغشته به خون خلقهای جهان

آیا هنوز به خودتان امیدوار هستید؟

بقیه از صفحه ۱۰

يك توطئه امپریالیستی برای سرنگونی رژیم انقلابی است.

از سه سال پیش حزب مسا هشدار داد و هنوز هم می‌دهد، که شما مار در آستین می - پرورانیید و آنهایی را که مشغول سرهم کردن توطئه‌های براندازی هستند، در مواضع حساس قرار میدید و ایقاعا می‌کنید.

اکنون که توطئه براندازی ناراضی تراشی چنین ابعادی بخود گرفته است، که آقای نخست وزیر نیز در نطق ۱۹/۴/۶۲ به آن اعتراف می‌کند، دیگر تردیدی نباید داشت، که نگرانی حزب مسا بجا بوده است. آری آقای نخست وزیر! این توطئه گرانی، يك "توطئه سیاسی" بمنظور براندازی جمهوری اسلامی ایران است. آری آقای نخست وزیر! آنها که به گفته خود شما جنس "۳ تومانی" را به "سی تا چهل تومان" در بازار سیاه می‌فروشدند و حامیان وزارتخانه‌های آنها، مدت‌هاست که دستگاه منحوس توطئه براندازی خود را پشت بکار انداخته‌اند و برای رسیدن به هدف توم خود بکمک شما تسلیم طلبیان به سرکوب حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پرداخته‌اند تا تنها مانع و سد واقعی در سر راه موفقیت توطئه خود را از مقابل پای خود بردارند.

زحمتکشان میهن ما سوال می‌کنند، که تنها چه حد، آنهایی که با پی‌برنامگی و سردرگمی خود با ندانم کاری و انحصار طلبی خود، با عسدم تشخیص انقلابی از غیر انقلابی، با تعیین مرز دروغین مسلمان و غیر مسلمان برای انقلابی و غیر انقلابی، با عقب نشینی و مامشات خود در مقابل

دشمنان دانا و "دوستان نادان" انقلاب، با تأیید و شرکت خود در سرکوب بهترترین فرزندان طبقه کارگر، رهبران و اعضای حزب توده، ایران، می‌زیر پا گذاشتن قانون و تعهدات خود - تحقق شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و با جستجوی "راه سوم" موهوم، آری زحمتکشان میهن ما سوال می‌کنند، که شما ماشائنگسران دیروزی و تسلیم طلبیان امروزی که امروز هم در نطق‌های خود به آرایش غارتگران بازاری می - پردازید و تسلیم طلبی‌تان در خدمت به منافع "بخش خصوصی" روبا قسم مورد تأیید قرار می‌دهید، تا چه حد خود در این "توطئه پر - اندازی" شرکت داشته‌اید؟

آقای نخست وزیر، برای "فکر کردن دیگر وقت باقی نمانده است، خورشیدی در مقابل منافع غارتگران، آنطور که در نطق ۱۹ تیرماه، ارائه شد، کافی است!

اگر نمی‌خواهید تنگ به شکست کشانیدن انقلاب را برای خود ابدی سازید، اقدام کنید! و راه را برای نجات انقلاب بازسازید.

باید با آزادی فوری توده‌های در بند، با ایجاد جو سیاسی آرام و دمکراتیک در کشور، با برقراری فوری قانون برای نجات انقلاب اقدام کرد. به این منظور باید خلق را بکمک گرفت، به خیابان فرا خواند، راستگرایان را از مواضع نصب کرده رانند و راه تعمیق انقلاب را گشود! خلق انقلابی حکم خود را درباره کسانی که هنوز این توطئه را نبینند و علیه آن مبارزه اصولی و جدی نکنند، صادر خواهد کرد.

متن مصاحبه روزنامه مورنینگ استار بایکی از مسئولین حزب توده ایران

این مصاحبه با آرگان حزب کمونیست انگلستان در تاریخ ۳۰ خرداد ۶۲ انجام شد

س. چرا مقامات مسئول تهران ناگهان امنال دستگیری و سرکوسی حزب توده ایران را آغاز کرده اند، و آیا این تضيقات برای حزب کلا یک چیز تازه و ناگهانی بوده است؟

ج. آنچه که در ایران بوقوع پیوسته، حاصل روندی است که انقلاب طی کرده، و برای حزب ما بهیچ وجه غیر مترقبه نبوده است. پسرای پاسخ به این سؤال و سؤال بعدی شما کافی است به سندی که من متجاوز از سه سال پیش حزب ما از زبان دبیر اول آن در جلسه پرسش و پاسخ (دیماه ۱۳۵۸) ارائه داده و ما در اوائل ماه خرداد ۶۲ در هفته نامه "راه توده" آنرا تجدید چاپ کردیم، اشاره شود.

در این سند (که متجاوز از سه سال پیش نوشته شده است) حزب ما شرایطی را که فعلا در ایران حاکم است؛ بطور دقیق پیش بینی کرد است. علاوه بر این، در یکسال پیش در نامه "سرگشاده" کمیته مرکزی به مقامات حاکمیت، احتمال وقوع تمام این وقایعی که الان رخ داده پیش بینی شده است.

آنچه که در حال حاضر بوقوع می پیوندد، مبدصحت تحلیل ها و پیش بینی های حزب ما است. حزب ما از ابتدا و بطور مستمر توضیح داد بود که برای حفظ و تعمیق دستاوردهای انقلاب باید یک جبهه متحد خلق تشکیل شود. در سهای جنبش جهانی کمونیستی نیز در تأیید این اصل است. اگر جبهه متحد ضد فاشیستی در آلمان قبل از روی کار آمدن هیتلر بوجود آمده بود، همانطور که حزب کمونیست آلمان می خواست و می طلبید، به احتمال زیاد فاجعه فاشیسم هیتلری برای سایر خلقهای جهان بوجود نمی آمد. آنچه که الان در میهن ما می گذرد بهیچ وجه از این قانون عمومی و کلی و این درس تاریخی مستثنی نیست.

روندی که انقلاب ایران را به وضع فعلی کشاند

اما روندی که انقلاب را به وضع فعلی آن کشانیده چیست؟ در دو سال پیش حاکمیت در دست آن نیروهای قرار گرفت، که خود را پیروان "خط امام" می دانستند. این نیروها، که در دوران سرنگونی رژیم گذشته با دید روشن و برنامه صریحی برای سرنگونی سلطنت رهبری انقلاب را بدست گرفتند، (از آن پس) و بویژه در این دو سال اخیر قادر نشدند دور نمائی روشن و برنامه ای جامع برای تعمیق انقلاب ارائه بدهند.

این نیروها، که با وعده های بسیار زیاد و طلایی برای بهبود زندگی خلق و زحمتکشان، اعتماد آنها را بدست آورده بودند، با اشتباهات کلانی که مرتکب شدند موجبات تحکیم قدرت نیروهای راستگرا، هواداران سرمایه داری و کلان زمینداری، را فراهم و به آنها امکان دادند مواضع بیشتر و بیشتری را در حاکمیت بدست بگیرند. روند این تحول با اینصورت انجام شد، که سرمایه داری تجاری ایران و بویژه سرمایه داری بازاری، که در دوران رژیم شاه زیر فشار سرمایه داری کمپرادور از امکانات وسیع سرمایه داری کمپرادور محروم بود، اکنون با فقدان بخش سرمایه داری کمپرادور قادر شد با احتکار و گرانفروشی در مدت بسیار کوتاهی فربه و چاق و پولدار و پولدارتر بشود، و از این طریق با غارت ثروت عمومی و درآمد زحمتکشان به انباشت سرمایه در دست خود بپردازد. این سرمایه داری تجاری همچنین قادر شد راسا با جهان سرمایه داری روابطی را برقرار کند. و به این ترتیب این نیروها بر آن شدند، که اکنون که دارای قدرت مالی و اقتصادی هستند، اکنون که ارتباطات خود را با سرمایه داری جهانی برقرار کرده اند، هر حاکمیت (سیاسی) نیز شرکت کنند.

وسایلی که این نیروهای راستگرا برای رسیدن به اهدافشان استفاده کردند از این قرارند: نیروهای مسلمان رادیکال را زیر فشار شانناژ ضد

کمونیستی قرار دادند. هر اقدام ترقی و به سود زحمتکشان از سوی آنها، بعنوان اقدامات کمونیستی و یا اقداماتی که منجر به حاکمیت کمونیسم خواهد گشت، ارزیابی شد. و به عنوان وسیله تبلیغ و فشار علیه جناح رادیکال حاکمیت مورد سوء استفاده قرار گرفت. آنها با طرح شعارهای دروغینی مثل "نه شرقی، نه غربی" امکان تحریک و اقدام سیاسی نیروهای مسلمان مبارز را محدود کردند. عبارت دیگر شعار "نه شرقی، نه غربی" را بعنوان سیاست موازنه منفی به نیروهای مسلمان مبارز تحمیل کردند. و از این طریق جای دوست و دشمن طبیعی انقلاب میهن ما را مخدوش ساختند.

آنها با زیر فشار گذاشتن مسلمانان مبارز، و استفاده از ضعف این نیروها، که در جستجوی باصطلاح "راه سومی" برای پیشبرد انقلاب بودند، امکان بهره مند شدن از تجربه انقلابات پیروز را از بین بردند. در ایجاد شرایط حاضر، توطئه های امپریالیستی هم نقش خود را ایفا کرد. از جمله ترورها و بمبگذاریها و بالاخره جنگ تحمیلی صدام علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما. همه این عوامل بر شمرده شده آن مجموعه ای از عوامل را تشکیل دادند، که مسلمانان رادیکال را به عقب نشینی واداشت و هرچه بیشتر عقب نشستند، این تصور باطلشان که میتوانند با وجود عقب نشینی اهداف خود را تحقق ببخشند، بیشتر غیر واقعی بودن خود را نشان میداد. مواضعی که مسلمانان مبارز از دست میدادند و ترک می کردند، در طی زمان کمیته را ایجاد کرد که شرایط تغییرات کیفی در حاکمیت را بوجود آورد. در پوشش مواضع عهدی که اکنون در اختیار راستگرایان قرار دارد، ضد انقلابیون نیز خود را مخفی کرده و از آن دفاع می کنند، و از طرف دیگر مواضع مسلمانان رادیکال آنقدر تضعیف شده است که اکنون دیگر باید از تسلیم آنها به راستگرایان و ترک مواضع اولیه و اهداف اولیه خودشان صحبت کرد. برای علت این ترک مواضع می توان طیفی از انگیزه ها را یافت، که از از دست دادن امید به تحقق خواسته های اعلام شده تا ترک کامل مواضع سیاسی - اقتصادی - اجتماعی را در بر میگیرد.

بطور قطع یورش وسیع و همه جانبه به حزب مانقطه عطف این تسلیم طیفی است و بیان کننده آغاز مرحله ای است که نیروهای راستگرا توانسته اند بر مسلمانان رادیکال، که روزی با ادعای جدی برای حفظ قانون و آزادی به صحنه آمده بودند، غالب بشوند. لیکن ما این روند را هنوز پایان یافته نمی بینیم و نمونه هایی در دناک ولی جالبی وجود دارد که نیروهای راستگرا می کوشند بدست خود این مسلمانان رادیکال دیر روز تمام وعده های آنها را باز پس بگیرند. مثلاً آیت الله مهدوی کنی یکی از اعضای شورای نگهبان و بلندگوی راستگرایان، می کوشد که موضع شخص رهبر انقلاب را هم تضعیف کند، از جمله از این مسئله صحبت می کند، که من به ملاقات امام رفته بودم و به او گفتم که حضرت امام من یا شما باید با صراحت صحبت کنیم، بما می گویند که ما طرفدار سرمایه دار هستیم، در حالی که ما مرید شما هستیم و شما در رساله تان از این صحبت کرده اید که اگر معدنی در زمین کسی پیدا شد این معدن متعلق به آن فرد است و دولت نمی تواند تصاحب کند، شما یا این فتوی را از رساله تان برمی دارید و یا کار ما طبق موازین شرع است (روزنامه اطلاعات).

البته چیزی که در قانون اساسی راجع به معادن تصویب شده اینست که تمام معادن و منابع زیرزمینی متعلق به دولت و عموم مردم است و شروت ملی است (اصل ۴۵ قانون اساسی). باین ترتیب آقای مهدوی کنی کوشش می کنند که بدست او و به زبان او، تمام تعهداتی را که در قانون اساسی تثبیت شده باز پس بگیرند.

با این مقدمات به سئوالی که در ابتدا مطرح شد، میتوان به این صورت پاسخ داد، که یورش به حزب ما از ابتدا پیروزی انقلاب و به بقیه در صفحه ۹

متن مصاحبه روزنامه مورنینگ استار...

بقیه از صفحه ۹

انقلابی خود ادامه بدهد.

س. اجازه دهید سؤال را در قالب دیگری مطرح کنم. اکثر غیر کمونیستهای چپ در بریتانیا میگویند که میتوانند با مشاهده سیاستهای حاکمیت ایران، سیاست مجاهدین خلق را درک کنند ولی سیاست حزب را نمیفهمند. این گروه معتقد است که بنابر سیاستی که حاکمیت ایران داشته است باید در برابرش مقاومت نمیشد، ولی مقاومت یعنی چه؟ چرا که کاری که مجاهدین کردند جاده را برای حاکمیت راستگرایان صاف کرد؟

ج. رهبری سازمان مجاهدین هنگامیکه لازم بود، در کنار بقیه نیروها ضد امپریالیست و تحول طلب و با کمک به نیروهای صادق مسلمان در حاکمیت که زیر فشار راستگرایان بودند، از تحکیم مواضع نیروهای راستگرا و ضد انقلابی جلوگیری کند. صحنه نبرد ضد امپریالیستی را ترک نکرد و درست اقداماتی را سازمان مسلمان داد که بهمان نحو که شما گفتید بتغییر نیروهای راست تمام شد. بطور مثال من از بومی که در دفتر حزب جمهوری اسلامی کار گذاشته شد میخواهم صحبت کنم که در آن مسلمانانی نظیر محمد منتظری را که با صراحت در مجلس از این صحنه کرده بود که بیلی میشد. پس کمونیستها برای پیشبرد اهداف انقلاب جبهه متحد تشکیل داد، از بین بردند. محمد منتظری را بویژه و با اصرار در انشعب دعوت کردند که بدفتر حزب جمهوری اسلامی برود. بر خلاف آنها ما بوظیفه تاریخی که در مقابل نبرد که بر کس "در حاکمیت داشتیم عمل کردیم و تردیدی نداریم که ما این بی غل و غش و صادقانه و روشن بینانه ما برای همیشه ثبت تاریخ شده است. این در تاریخ ثبت شد که ما صحنه دفاع از انقلاب را ترک نکردیم و این حاکمیت جمهوری اسلامی است، که به تا میاید همه نیروهای آزاد میخواه جهان به مدافعین انقلاب یورش برد است.

س. شما وضع و روابط بین المللی دولت ایران را چگونه میبینید. شنیدم که ژاپن قبض کرده بروزه پرتوشیمی را ادامه بدهد، بشرطی که جمهوری اسلامی تمام هزینه اش را بپردازد. مسلما در مورد لوله نفت هم چنین قرارداد هائی خواهد بود؟ آیا این جزئی از گرایش به راست هست یا مرحله جدیدی از این گرایش به راست است و در این رابطه نقش جنگ ایران و عراق را چگونه می بینید؟

ج. دفاع درست است. ما علائم خیلی متعددی را در صحنه بین المللی در ارتباط ایران با کشورهای سرمایه داری و بالعکس می بینیم که بیان کننده گرایش به راست سیاست در جمهوری اسلامی ایران است. در این مورد می شود نقطه نظرات مساعد سران کشورهای امپریالیستی نسبت به سیاست حاکمیت فعلی ایران را که در گرد همایی و ملیانموزگ اعلام شد: ذکر کرد. از جمله می شود گفته ریگان را ذکر کرد که در روزهای اخیر موضع آمریکا را در مورد جنگ (ایران و عراق) بیطرفانه اعلام کرد. همینطور می شود توسعه خیلی شدید روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای سرمایه داری ذکر کرد، از جمله با ژاپن حتی فروش نفت ایران برای منابع استراتژیک آمریکا که در ماههای اخیر بسیار انجام شده و هر بار حداقل چهار دلار پایین تر از قیمت اوپک بوده است. به این لیست میتوان پرداخت ۲۶ میلیون دلار خسارت سفارت آمریکا در ایران به دولت آمریکا، مذاکرات مخفی با دولت آمریکا، که در روزنامه نیز انتشار یافته، اضافه کرد. همه و همه علائم جدی در این زمینه اند که در سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با کشورهای سرمایه داری تغییرات جدی بوجود آمده. ما حتی خبرهایی در مورد خرید های نظامی شنیدهایم که آمریکا مستقیم و غیر مستقیم به دولت ایران اسلحه می فرودد. نکته جالب دیگری که باید ذکر کرد موضع وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد ورود ارتش ترکیه به عراق و سرکوب نیروهای کرد و کمونیست عراقی است که علیه رژیم دیکتاتوری صدام

می جنگند. این موضع، که بعدا توسط دیگر شخصیت های حاکمیت تکرار شد و در روز بعد از ورود ارتش کودتایی ترکیه به عراق اعلام شد، بجای محکوم کردن این اقدام تجاوزگرانه و سرکوبگرانه که خاطرات قتل عام ارمنه ترکیه در ۱۹۱۵ را پیاد می آورد، فقط از این صحبت می کند که دولت صدام دولت ضعیفی است. این موضع توجه را از خط اصلی، که صلح منطقه و آزادی خلق های منطقه را تهدید می کند، دور می کند و تردیدی در این نیست که چنین اقدامی را ترکیه بدون تایید ناتو و همانطور که بعدا هم اعلام شد بدون تایید دولت صدام انجام نداد است. و باید این شک و نگرانی جدی را داشت که این اقدام با اطلاع حداقل بخشی از رهبری جمهوری اسلامی ایران بوده است. این سکوت تأیید آمیز دولت ایران در قبال تجاوز ترکیه بیان کننده تدارک یک همکاری در چارچوب پیمان سنتو گذشته هم میتواند تلقی شود، بویژه آنکه در این زمینه ها ارتباطات وسیعی هم با دولت پاکستان ایجاد شده است.

در مورد مسئله جنگ عراق و ایران، جمهوری اسلامی ایران در یک بن بست قرار گرفته است. بدین مفهوم که بطور عطفی دیده میشود که صدور نظامی انقلاب به عراق با موانع بسیار جدی روبرو شده و همانطور که رئیس مجلس هم توضیح داد چاره را در آن دیده اند، که شعله آتش جنگ در سطح نازلی نگه داشته شود، و از سوی دیگر پایان جنگ بدون تحقق شعارهایی که در ابتدا مطرح میشد عملا غیر ممکن گردیده است. بدین ترتیب خودشان (تسلیم طلبان) جمهوری اسلامی را به یک بن بست کشانده اند. آن زمانی که آنها می توانستند جنگ را بسلا موقیقت، با قبول دو شرط اولیه، به پایان برسانند: از دستشان رفته است. حتی میتوان این احتمال را دید، که در آینده نه چندان دور زمانی خواهد رسید، که ادامه جنگ مورد تایید نیروهای راستگرا که تا حال خواهان ادامه اش بوده اند، نباشد و آنها تکام زمانی خواهد بود که "صلح تمیلی" واقعی به مسلمانان سابقا رادیکال واقعا تحمیل خواهد شد.

س. آیا تجربه سالهای اخیر بیانگر آن نیست، که شخصیت هایی نظیر آیت الله خمینی، که غالبا ایده های بظاهر مترقی دارند، از همان اول قادر به خلاص کردن خود از شر نیروهای راستگرای روحانیت نمی شوند؟ در بریتانیا به ما میگویند، که خمینی از اول ارتجاعی بوده است. حاملیسن این نظر معتقدانند، که رویداد های اخیر در تأیید نظر آنهاست.

ج. تا قبل از پیروزی انقلاب اکثر نیروهای بینابینی شانس رهبری هیچ انقلابی را نداشتند و چنین انقلاباتی (انقلاب های ضد امپریالیستی و رهاثیخش) را هم رهبری نکردند. فقط در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی و پیروزی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری، سالهایی که تناسب قوا در صحنه جهانی بشفح صلح و سوسیالیسم تغییر پیدا کرد، شرایط جدید بوجود آمد، که نیروهای بینابینی قادر شوند انقلاب ضد امپریالیستی را رهبری کنند. اگر این نیروها بتوانند به قانونمندی نبرد جهانی ضد سرمایه داری این دوران و همچنین قانونمندی رشد اجتماعی درون کشور خودشان پایبند بمانند، قانونمندی ای که پایبندی به آن برای حفظ انقلاب لازم است، فقط آنوقت بطور واقعی این شانس را هم بدست خواهند آورد، که انقلاب را به پیروزی قطعی برسانند.

بهمین علت انقلابات آزاد بیخش که تحت رهبری نیروهای بینابینی به پیروزی سیاسی میرسند، تنها زمانی پیروزی آنها محتوم می شود، که در جبهه جهانی ضد امپریالیستی جای خود را در کنار کشورهای سوسیالیستی، به عنوان متحدان طبیعی نبرد ضد امپریالیستی، بپایند، و با برخورداری از کمک های آنها و همچنین برخورداری از همبستگی و کمک های همه جانبه دیگر متحدان طبیعی جهانی خود، یعنی با جنبش های مترقی کارگری جهانی و بالاخره با برخورداری از کمک های جنبش های آزاد بیخش ضد امپریالیستی در جهان از طرفی و از طرف دیگر با یافتن متحدین واقعی انقلاب در داخل کشور و بویژه با تجهیز توان انقلابی خلق و حفظ این توان و تقویت آن و یافتن راههایی که این توان انقلابی خلق را به خلاقیت هم بکشاند، بویژه با اجرایی فوری و رادیکال رفرمهای انقلابی، از جمله رفرم ارضی انقلابی، نیروی لایزال خلق را در

بقیه در صفحه ۱۴

در هفته ای که گذشت:

فریاد مستضعفان، غارتگری مستکبران

واقعیات و رویداد های ماسها و هفته های اخیر، گذشته سیاه و حکمرانی هزار فامیل شاهنشاهی را در اذهان زنده میکند. تنها ذکر نمونه هایی، آنهم از روزنامه های مجاز کشور مخود نمایانگر این واقعیت و به اندازه کافی گویاست.

آب و نان هم از زمره کالاهای طبقاتی شدند!
در هفته گذشته ما شاهد اعتراض و راه پیمایی مردم افسریه به علت قطع آب این محله بودیم. یکی از اهالی این منطقه در این رابطه می گفت:

" ما پول دادیم ولی بجای آب تهران، فقط قیفی آب تهران بماند دادند."

یکی دیگر از اهالی میگفت:

" ما با زبان روزه آب خوردن نداریم."

زنی فریاد می زند:

" بنویسید بچه های شهرک مسعود به اغلب شبها تشنه سر بیالین می گذارند."

از گوشه دیگر فریادی بلند می شود:

" آقا شوهر من کارگر ساده ای است که بسه سختی خرج خانواده را تأمین میکند، اما با اینحال مجبور است هفته ای ۲۰۰ تومان پسول آب بدهد."

این درد ورنجی که مهر و نشان نظام غارتگر سرمایه داری را بر سیمای خود دارد، بر همه شئون زندگی اجتماعی - اقتصادی کشور ما حاکم است و تنها مخص افسریه نیست.

اگر امروز در افسریه و مسعودیه، فسردها در نقطه ای دیگر این دمل سرباز می کند، همچنانکه پیش از نیم میلیون نفر در محدوده منطقه ۱۵ تهران با مشکل مخرومیت از آب و نان و گوشت و دیگر مایحتاج اولیه زندگی مواجه اند، سایر نقاط کشور نیز از گرانی و دزدی و احتکار و بانسند بازیمای مسئولین امور، از تهران تا تبریز و از مشهد تا خوزستان، روبرو هستند.

هر تانکر آبی که ۱۵ تومان قیمت دارد، به قیمت ۲۵۰ تومان به مردم زحمتکش که توانایی زندگی بخور و نمیر را هم ندارند، فروخته میشود. از این طریق غارتگران زحمتکش و محرومان سود های کلانی، حتی از این آبهای اکثر غیر پهداشتی نیز، به جیب می زنند.

در شرایطی که اعتراض زحمتکشان به مشکلات زندگی " توطئه سیاسی " نامیده می شود، مسئولین امور همچنان با وعده های بیست روزه و یک ماهه و هشت ماهه از مردم " انتظار " می طلبند. یکی از اهالی در این مورد می گوید:

" آقا ما قریب ۵ سال است که تلاش می کنیم راهی برای ورود آب به این شهرک باز کنیم، اما تا کنون موفق نشدیم. بنویسید که هر بار بسه سازمان آب منطقه ای مراجعه کرد ما هم و مشکلات خود را با آنها در میان گذاشته ایم. مسئولین دائم وعده های سرخرمن به ما دادند."

از سوی دیگر مردم با بیماریها و عفونت و آلودگی آبی که با هزار منت و محبت بدست می آورند، روبرو هستند، آبی که با انواع آهک و گچ و حشرات و میکروبها، زنگ خطر سرایت انواع بیماریهای عفونی در گستره وسیعتری را بصد

داران بپرد ازند، در جواب این فریاد برخاسته از درد آنها میگویند:

" اگر شرایط اجرای طرح همانگونه باشد که پیش بینی کردیم، برنامه طبق روال پیش بینی شده پیش خواهد رفت، امید وارم بعد از دو سال و نیم بتوانیم به منطقه شهرکهای مسعودیه، کارون و مشیریه آب بدهیم، لکن باید به صراحت بگویم که شرایط عادی نیست و طبق پیش بینی ما نمی باشد."

در واقع ایشان با زبان ساده از تعهد برای تأمین آب افسریه در ۲ سال و نیم آینده هم طفره می روند.

نان هم، همانند آب، در روزانه زحمتکشان است.

با " آزاد " کردن فروش برنج و ایجاد بازار سیاه، قیمت برنج به چند برابر قیمت دولتی آن رسید و دردی دیگر بر درد های زحمتکشان



اعتراض اهالی افسریه به قطع آب و برق (عکس از کیهان، ۸ تیرماه ۶۲)

در می آورد. زن زحمتکشی فریاد برمی آورد که آقا:

" دلم میخواهد بپایید آب انبارها را ببینید و ملاحظه کنید در این آبهایی که ما میخوریم چه چیزهایی وجود دارد: قورباغه، موش، کرم، هزار پا، لاشه های گربه و بسیاری دیگر که باید ببینید و باور کنید."

پزشک این شهرک میگوید:

" مردم مسعودیه مخصوصا کودکان آنها مبتلا به انواع بیماریهای عفونی هستند. اسهال و استفراغ بیشتر در میان کودکان شیوع دارد و مستقیما از آلودگی آب ناشی میشود، میتوان گفت که از صبح تا شب سه چهارم بیماران مبتلا به اسهال و استفراغ میباشند. در صورتیکه در شمال شهر، روزانه بیش از دو یا سه مور دواز این گونه بیماری مشاهده نمی شود."

مسئولان که با زیر پا گذاشتن خواست انقلابی مردم، استدلالات شاهنشاهی را به کمک می طلبند تا به توجیه غارت زحمتکشان بوسیله سرمایه

افزود. زحمتکشان جامعه اغلب نان را جایگزین برنج کرده اند. مردم میگویند در حال حاضر که با قیمت کنونی برنج در بازار " آزاد " خوردن آن حسرتی است بدل محرومان، حداقل انتظار ما این است که نان را به قیمت مناسب و با کیفیت مطلوب بدست آوریم.

زن زحمتکشی در صف خرید نان میگوید:

" برنج پیدا نمی شود، برنج خوب گران است و ما طبقه مستضعف و کارگر توان خرید برنج به قیمت گزاف را نداریم. حداقل انتظار ما این است که دولت در تأمین و توزیع مایحتاج اساسی چون نان، برنج و گوشت نظارت جدی کند. چرا باید قیمت برنج ایرانی این همه بالا باشد؟ می گویند برنج نیست پس چرا با قیمت گزاف هست و خیلی هم هست؟! "

دزدی و غارت، باند بازی و جنایت همچون رژیم گذشته، و اکنون با لعابی تازه و رنگ و جلایی نو، " شرعی " ایران را صحنه ترکتازی خود قرار داده است.

بقیه در صفحه ۱۳

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۳

اتحادیه های صنفی جهان به این عمل اعتراض کرده و نگرانی خود را درباره سرنوشت این دستگیرشدگان اعلام می دارند.

باید گفت مسئله سرکوب هرگونه صدای حقی طلبانه، به حزب توده ایران و کارگرانی که در سند یکاهای کارگری متشکل شده بودند، خاتمه پیدا نکرد است. چنانکه همین صاحبکنندگان در گفتگوی خود خاطر نشان ساخته اند، بسیاری از کارگران به خاطر تعصب پوسترهای اسلامی و یا تشکیلاتی و انقلابی از کار اخراج شده اند و این اخراجها و تضيقات در مورد کارگران مسلمانی که در شیرازها و انجمن های اسلامی متشکل اند، آقدر گسترش یافته، که خود خانه کارگر به فکر تاسیس "صندوق حمایت از کارگران اخراجی" افتاده است.

امیرالایسم به احیای پیمان بغداد امید بسته است

مجله اکونومیست، چاپ لندن مورخ ۲۴-۱۸ ژوئن (هفته اول تیر ۶۲) می نویسد: " اتحاد های گذشته هرگز نمی میرند. پیمان بغداد زنده است (و هر روز جان بیشتری میگیرد - راه توده) و در طول نوار مرزی بین ترکیه، ایران و عراق تجدید حیات می شود. برای اولین بار این سه کشور که در اواسط سال های ۱۹۵۰ در زیر پیمان غربگرای بغداد گرد هم آمدند، دست در دست یکدیگر داده اند تا مبارزات آزاد یخواهانه خلق کرد را خفه و نابود

کنند. "
مجله اکونومیست در ادامه می افزاید:
" کرد های ایران بشدت بسوی مرز ترکیه با ایران که در ژانویه بوسیله ترکیه مسدود گردیده، رانده شده اند. کرد های هم که توانسته بودند در ترکیه مأمن یابند به ایران باز پس رانده شده اند. با از دست دادن امکان گذر از مرزها، کردها در موقعیت سختی به سر میبرند. "
واکنش نیم بند دولت جمهوری اسلامی و سردمداران آن در مقابل تجاوز ضد مردمی و سرکوبگرانه ارتش ترکیه به مواضع جنگجویان دلیر کرد، در داخل کردستان عراق را، نمیتوان از گمراهی آنها دانست. چنین واکنش به این تجاوز را، تجاوزی که به نوشته همان شماره مجله اکونومیست، " منجر به کشته شدن صدها کرد و دستگیری حدود ۲ هزار جنگجو که برای محاکمه به ترکیه برده شد نگاشت، تنها به تأیید ضمنی این یورش میتوان تعبیر کرد. "

مسلمانان کشتن ایران به منجلا ب گذشته با خفه کردن صدای خلقهای ایران، و از جمله خلق کرده، در گلو توام خواهد بود و هست، و نمیتوان نتیجه ای دیگر از دوستی با ترکیه آمریکا - زده و عضو پیمان تجاوز گر ناتو، کشوری که آقای وزیر امور خارجه و امثالهم " برادر " و " مسلمان " اش میخوانند، انتظار داشت. بنابراین، به این سوال که آیا تکوین مجدد پیمان بغداد و یا چیزی با همان ماهیت مطرح است؟ میتوان پاسخ مثبت داد.
حاکمیت جمهوری اسلامی با نزدیکی " گام به گام " خود به کشورهای سرمایه داری غرب و قبضه شدن اهرمهای دولتی آن بوسیله راستگرایان و هواداران سرمایه داری نه فقط قادر نشده است جوابی مثبت به خواستهای خلق، خواستهایی چون اصلاحات ارضی، ملی شدن

بازرگانی خارجی، آزادی فعالیت احزاب سیاسی و از جمله مسئله ملی و خلقهای ایران بد هید، بلکه هر روز بیشتر به منجلا ب همکاری اقتصادی و نظامی با ترکیه کودتا زده عضو پیمان ناتو فرو می رود. در حقیقت گرایش بسوی سرمایه داری و دور شدن از طبقات محروم و مستضعف، راهی جز سرکوب خلقهای ایران، و از جمله خلق کرد که تاریخ طولانی مبارزاتی آن برای کسب خود - مختاری و رفع ستم ملی معلو از دلاوریها و حماسه آفرینی هاست، باقی نمی گذارد. "

لذا تدارک دیدن روح دسته بندی نظامی امپریالیستی به کالبد مرده پیمان بغداد، نگرانی بجای تمام خلقهای منطقه را می آفریند. "

سیاست پشت درهای بسته و روی دوش زحمتکشان

آقای نخست وزیر در سخنرانی بمناسبت ۷ تیر در قم می گوید:

" روزی که اسناد و مدارک درون شور ای انقلاب فاش و پخش شود، روشن خواهد شد، که چه کسانی متعابلی به آمریکا بودند و چه کسانی در مقابل نفوذ آمریکا و حرکت آمریکا ۵۰۰ می ایستادند. "

فقط باید از آقای نخست وزیر خواست، که توضیح دهد، که چرا این اسناد را هر چه زود تر پخش نمی کند. آیا نمی داند که این " عدم افشاکاری " چه کسانی را در پشت هایشان ایفاء کرده است؟ معلوم نیست چرا آقای نخست وزیر این مخفی کاری و جدایی از مردم را تحمل می کند و اسامی این عوامل آمریکا را که بر دوش زحمتکشان سوار شده اند، افشا نمی کند؟! "

خواهد بود، که " این نیروها از ابتدا ارتجاعی بودند. بنا بر این، تحلیل دقیق ما اینست، که نیروهای بینابینی در میهن ما این شانس را داشتند که با تجربه خودشان و با کمک هایی که به آنها شد این درس ها را بیاموزند و ما با تمام توان خود کمک کردیم، که آنها آنها بیاموزند. اما باید گفت که آنها موفق نشدند، نه اینکه تمام مسلمانان مبارز موفق نشدند، نه ما چنین چیزی را نمی گوئیم، بلکه صحبت از آن مسلمانان رادیکال در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می کنیم، که تجربه تاریخی نشان داد، که فاقد استعداد تاریخی هستند، این درس ها را بیاموزند. "

س. آیا طی ۲ ماه گذشته تغییراتی در درون شخصیت های هیئت سیاسی حزب جمهوری اسلامی رخ داده است؟

ج. خامنهای در پست دبیر کلی ابقا شده است. البته افرا د جدیدی هم به هیئت مرکزی حزب جمهوری اسلامی فرا خوانده شده اند، که هنوز هم اسم آنها اعلام نشده است. (x)

س. روزنامه ساندی تایمز در تفسیری پیرامون حزب جمهوری اسلامی صحبت از گرایش به راست نموده است، آیا این راست است؟

ج. بلی درست است. این نظر را حزب ما یکسال پیش اعلام کرد. "

(x) با اطلاعاتی که بعد از انجام مصاحبه تا کنون رسیده است، بخشی از عناصری که به هیئت مرکزی حزب ج ۱۰ فرا خوانده شده اند، دارای آن چنان نظریاتی هستند، که باید گرایش تشدید شده این حزب را به راست یکبار دیگر تأکید کرد. "

متن مصاحبه روزنامه مورینگ استار...

بقیه از صفحه ۱۰

صحنه دفاع از انقلاب حفظ کنند، قادر خواهند شد تا اوم رهبری انقلاب را توسط خود تضمین کنند و به تعمیق انقلاب خدمت. "

آنها باید به این منظور به برطرف کردن رادیکال تسلط سرمایه خارجی و کلان سرمایه داران داخلی بر سرنوشت کشور بپردازند و سازماندهی توده های زحمتکش شهروده را به عنوان وظیفه عاجل انقلاب درک کنند و به آن دست بزنند. با انجام تمام این اقدامات، یعنی دست یابی به این شرایط است، که انقلاب آزاد بیخش این دوران می تواند پیروزی خود را تضمین کند. ککی که حزب ما در چهار چوب امکانات خود به انقلاب کرد و می کند، درست در چهار چوب این سیاست و این تحلیل روشن است. "

این سیاست حزب ما علمی، دقیق و انقلابی است. کسی که این نکته را درک نکرده باشد، که نیروهای بینابینی قانونمندی های فوق الذکر را (شرایط پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و رهائی بخش دوران ما را) باید در جریان عمل و با تجربه خودشان کشف کنند، البته نمی تواند این خطر را نیز درک کند، که ممکن است، که این نیروهای بینابینی نتوانند از تجربه خودشان و خلقهای دیگر درس بگیرند و با قدم گذاشتن در راه درست حفظ و تعمیق انقلاب، به استعداد تاریخی رهبری انقلاب در مرحله نوسازی جامعه هم دست یابند.
آنوقت منتقدین که شما در سواتان از آنها نام بردید، تصورشان اینست



مانور نیروهای مداخله سریع در خلیج فارس

قرار است در مناطقی از سلطان نشین عمان که مشرف به تنگه هرمز است، مانور بزرگی از سوی نیروهای مداخله سریع آمریکا انجام گیرد. طبق گزارش پنتاگون، در این مانور، که قرار است آمادگی رزمی نیروهای مداخله سریع در شرایط گرم تابستان آزمایش گردد، هفت هزار سرباز آمریکائی و چند صد هواپیما شرکت خواهند داشت. مرکز فرماندهی مانور در مصر قرار دارد که در آن ۵۵۰ سرباز آمریکائی برای شرکت در این مانور آماده گشته اند. هزار تنگد ار آمریکائی پیاده شدند در سواحل سومالی را تمرین خواهند کرد. بر فراز خاک عمان تمرین هوائی انجام خواهند گرفت. در این تمرین ها هواپیماهای جاسوسی آواکس بکار گرفته خواهد شد.

اعتصاب کارگران در برزیل

بیش از ۶۰ هزار کارگر صنایع فولاد در برزیل دست به اعتصاب نامحدود به منظور اعتراض علیه سیاست اقتصادی دولت زده ماند. کارگران بزرگترین پالایشگاه نفت برزیل نیز، که یک سوم مصرف نفت را تصفیه میکنند، در اعتصاب به سر میبرند. اعتراض این کارگران علیه تغییر معیار تعیین مخارج زندگی است که بر طبق آن افزایش حقوق معین میگردد. دولت برزیل اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت را غیر قانونی اعلام کرده و رهبران سندیکائی کارگران این بخش را از دست های خود به جرم دامن زدن به اعتصاب برکنار کرده است. موج اعتصابات در برزیل دیگر بخشهای اقتصادی این کشور بحران زده را دگر گرفته است.

در السالوادور

ایالات مرکزی السالوادور صحنه درگیریهای شدید میان مبارزان "جبهه آزادبخش" قازا بودند و مارتی و نیروهای دولتی است. علیرغم کمکهای فزاینده دولت آمریکا به رژیم حاکم در السالوادور، مبارزین آزادبخش توانسته اند ضربات سختی به نیروهای دولتی وارد سازند. شعار "طیروم تجاوز آمریکا، السالوادور پیروز خواهد شد" به شعار همه مبارزینی که علیه رژیم ترور و سرکوب در السالوادور بیکار می کنند تبدیل شده است. در مناطقی که توسط نیروهای آزادبخش آزاد شده اند شوراهای محلی تشکیل میگردد و مردم در انتخاباتی که به منظور تعیین نمایندگان شوراهای انجام میگردد وسیعاً شرکت می ورزند. در این مناطق که چندین ایالت کشور را شامل میشود مردم فعالانه در تحولات سیاسی اقتصادی

و اجتماعی شرکت می کنند. پیروزی های مداوم نیروهای آزادبخش گسترش نفوذ آنها در میان توده های مردم باعث آن شده است که رژیم حاکم در السالوادور عملیات سرکوبگرانه و تضيیقی خود را شدت بخشد.

در غنا

غنا، برای چهارمین بار در یکسال و نیم اخیر صحنه توطئه های ضد انقلابی برای سرنگونی حکومت مترقی در این کشور بود. پس از زرد خورد های شدید نظامی میان نیروهای کودتاگر و واحد های "شورای موقت دفاع ملی" در آکرا، پایتخت غنا، این کوشش برای براندازی حکومت جری رولینگر ناکام ماند و آرایش به کشور بازگشت. غنا اولین کشور ماورای صحرا در آفریقا بود که در بهال ۱۹۵۷ استقلال سیاسی خود را کسب کرد و تحت رهبری قوام نگره سمت گیری غیر سرمایه داری در پیش گرفت. روندی که با توطئه کودتائی که از طرف "سیا"ی آمریکا رهبری میشد، در سال ۱۹۶۶ قطع شد. در دسامبر ۱۹۸۱، عدامی از نظامیان جوان، به رهبری سروان هوایی، رولینگر، باهدف اراکه راه قوام نگره قدرت را بدست گرفتند. حکومت جدید بمنظور تحول بنیادی اجتماعی - اقتصادی به سید زحمتکشان اقتضایات بورژوازی کپهرار و را قطع کرد و اقداماتی در جهت تأمین کنترل دولتی در مهمترین بخشهای اقتصادی کشور انجام داد. با وجود این اقدامات وضع اقتصادی کشور هنوز هم وخیم است. و حکومت مجبور است در مقابل توطئه های متحد امپریالیستی و ضد انقلابیون داخلی به مقابله برخیزد. اخراج بیش از ۲ میلیون غنایی مهاجر از نیجریه و خشکسالی متناوب بر مشکلات این کشور و حکومت مترقی آن افزوده است.

خطر آنگولا و موزامبیک را تهدید می کند

کنگره ملی آفریقا، فاش ساخت که کشورهای مرفقی جنوب آفریقا، بویژه آنگولا و موزامبیک، در خطر مداخله هماهنگ امپریالیسم آمریکا و نژاد پرستان آفریقای جنوبی قرار دارند. رژیم نژاد پرستان آفریقای جنوبی طرحهایی در دست تهیه دارد که باید بوسیله آن، حکومت های مردمی در آنگولا و موزامبیک سرنگون شوند. باند های تروریستی که در این دو کشور علیه حکومت به اعمال خرابکارانه دست میزنند مستقیماً از سوی نژاد پرستان با تجهیزات و کمک مالی تأمین میشوند. چنانکه گفته شده است عملیات خرابکارانه علیه زمبابوه نیز شدت یافته است. حکومت پرتوریا کوشش می کند با به سر کار آوردن یک دولت دست نشانده در نامی بیا از استقلال واقعی این کشور جلوگیری کند. جنوب سلوو، که این مطالب را در مجله کنگره ملی آفریقا فاش ساخته همچنین اظهار داشته است که کنگره ملی آفریقا وظیفه خود میداند تمام نیروهای مخالف حکومت نژاد پرستان را متحد سازد.

سرهنگ معمر قذافی...

بقیه از صفحه ۱
دوستان خارجی انقلاب ایران، چه در منطقه و چه در دیگر کشورهای جهان، از تفوق راستگرایان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که باعث پراکندگی نیروهای انقلابی و سرکوب بیگترین آنها یعنی حزب توده، ایران شده است، سخت نگرانند و رهبران جمهوری اسلامی را از بازگشت به دوران آرمانمهری اسارت امپریالیستی بر حذر میدارند. این نامه و اقدامات مشابه نشان میدهند، که نیروهای انقلابی، که بیگانه در موضع دفاع از انقلاب مردمی میهن ما ایستاد مانده، دوستان وفاداری در چهار گوشه جهان دارند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

"راه توده" عزیز، امیدواریم مانند همیشه تند رست و سر حال باشی، بزائی و بیروانی، انهم هفته ای یکبار ما از تو سیاستگزاریم، که هفته ای یکبار گلی تازه با رنگی خوشتر و عطری دلنشین تر برپایمان به منزل میآوری. باز کردن بسته ای، که تو را در آن بالا جبار تحسین کرده اند، برای ما تولدی نوین است. ما بند تو را باز می کنیم، تا تو بند های دیگری را بگسلی!

رفقای تو در مونیخ افتخار دارند، که هزینه چاپ یک شماره ات را تقبل کنند.

رفقای هوادار حزب توده ایران در مونیخ هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیقی از آمریکا ۱۰ دلار
دانشجویان افغانی در هندوستان ۱۳۰۰۰ روبیه
فرانکفورت ۱۰۰۰۰ مارک

راه توده

No. 50

Friday, 15 July 83

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
	U.S.A.	40	Cts.
France	Sch. Sweden	3	Skr.
Austria			